



اعلام در ترجمه

حسن فروغی

لاتینی^۱ برخورد کند که با صورت اصلی و متداول آنها در زبان فارسی کمابیش فرق دارد. در این موارد مترجم باید هم به وجود این فرق عالم باشد و هم صورت اصلی و متداول آن را بشناسد یا بتواند بیابد. متأسفانه همه مترجمان ما در بند حل این مشکل نیستند و در انتقال این اسامی به زبان فارسی با همان صورت محرّف فرانسوی یا لاتینی تردید یا دغدغهای به خاطر راه نمی دهند. اسامی زیر نمونه‌هایی از اعلام ایرانی هستند که در ترجمه به فارسی گاهی به صورت اصلی آنها توجهی نمی شود: اردوان (نام برخی از شاهان اشکانی) = ارتبان، آرتابانوس = ارتاکسرکسس Artaxerxès؛ کیبوجیه یا کمبوجیه (پادشاه هخامنشی) = کامبیز Cambyse؛ هوخستره (پادشاه ماد) = سیاکزار Cyaxare؛ هگمتانه (شهر و پایتخت مادها، همدان فعلی) = اکباتان Ecbatane؛ فرهاد (پادشاه اشکانی) = فرآت، فرآتس Fraate.

اعلام زیر نمونه‌های دیگری هستند که اغلب صورتی اسلامی در متون فارسی-اسلامی دارند و در ترجمه، هنگامی که متون کهن مدار بحث است یا از آنها مطالبی نقل به مضمون می شود آوردن همان صورتهای قدیم ارجح می نماید. اینک چند نمونه از این مقوله:

قرقشونه (شهری در جنوب فرانسه) = کارکاسون، کارکاسو Carcassonne؛ الرها (شهری باستانی در بین النهرین علیا) = ادس، ادسا، ادرفه، الرها Edesse؛ لشیبونه یا اشبونه (پایتخت کشور پرتغال) = لیسبون Lisbonne؛ پیکتاوی (شهری در ایالت وین فرانسه) = پواتیه Poitier؛ اشبیلیه (شهری در جنوب اسپانیا) = سویل Séville؛ صقلیه (جزیره‌ای در مدیترانه) = سیسیل Sicile؛ تراکیا یا تراکیه (منطقه‌ای قدیم در آسیای صغیر) = تراس Thrace؛ طلیطله (شهر تاریخی در اسپانیا) = تولد، تولدو Tolède؛ بلنسیه (شهری در شرق اسپانیا) = والانس، والانسیا Valence.

بررسی عینی تر چند مورد از این برگردانهای اعلام بخصوص در متونی که جنبه مرجع در تحقیق دارند، آشفتگی و نابسامانی حاکم بر کار انتقال اعلام در ترجمه را بهتر نمایان می سازد:

□ در تاریخ فلسفه اسلامی^۲، Tolède یک بار به صورت اسلامی و متداول آن در متون فارسی-اسلامی یعنی طلیطله (ص ۳) و یک بار به صورت فرانسوی کلمه یعنی تولد (ص ۳۱۲) ضبط شده است. همچنین خوب می دانیم که این کلمه در بسیاری ترجمه‌های دیگر با صورت اصلی و اسپانیایی آن، یعنی تولدو، نیز به فارسی برگردانیده شده است و در نتیجه برای این اسم خارجی حداقل سه صورت در زبان فارسی وجود دارد. همان طور که Cordove به چهار صورت اسلامی، فرانسوی، انگلیسی و اسپانیایی (قرطبه،

انتقال صورت اعلام از زبانی به زبان دیگر ظاهراً کار ساده‌ای است ولی همین کار به ظاهر ساده گاهی مشکلاتی در بردارد.

درواقع، برگرداندن صورت يك اسم خاص از زبانی به زبان دیگر وقتی آسان است که آن اسم خود صورت مقلوبی از يك نام خارجی در زبان مبدأ نباشد یا صورت متداول متفاوتی در زبان مقصد نداشته باشد. در این حالت مترجم می تواند صورت نوشتاری درخور آن اسم خاص را به راحتی بیابد و برای پرهیز از هرگونه ابهام صورت نوشتاری اصلی در زبان مبدأ را نیز به دست دهد و اگر لازم باشد توضیحی مختصر در معرفی بیفزاید. اما هرگاه تلفظ و صورت اسم در زبانهای مبدأ و مقصد کمابیش متفاوت باشد یا در خود زبان مبدأ محرّف آن متداول باشد، مترجم باید تلاش کند صورت رایج در زبان مقصد یا صورت اصلی آن را بیابد. مثلاً در ترجمه فرانسه به فارسی، نام Gènes (ژن)، صورت فرانسوی نام شهر ایتالیایی، باید به صورت اصلی آن (جنوا، Genova) یا نام Cologne (کولونی) به صورت اصلی و آلمانی آن کُلن (Köln) درآید. همچنین در مقابل Jerusalem باید «اورشلیم» یا صورت متداول و اسلامی آن در زبان فارسی یعنی «بیت المقدس» را به کار برد. اما دستیابی به صورت اصلی یا متداول اعلام همواره سهل نیست. زیرا بسیاری از اعلام خارجی در هر زبانی، به دلایل تاریخی یا زبانی، صورتی کمابیش غیر از صورت اصلی پیدا کرده اند و برای بازشناسی صورت اصلی یا متداول آنها به تفحص نیاز است. از این رو، گاهی برخی از مترجمان شانه از زیر این بار خالی می کنند و همان صورت محرّف یا نامانوس و گاه همراه کننده را در ترجمه می آورند.

در ترجمه متون فرانسه به فارسی بویژه نوشته‌هایی که موضوع آنها به ایران یا اسلام مربوط است، مترجم چه بسا با تعداد زیادی از اعلام ایرانی یا اسلامی با صورتی فرانسوی یا

زیرا از يك سو همهٔ اعلام و بخصوص اعلام ایرانی و اسلامی در این فرهنگها وجود ندارند؛ از سوی دیگر، تعاریف و اطلاعات داده شده دربارهٔ این اعلام الزاماً به صورت صحیح و متداول آنها در زبان اصلی راهبر نیست، بویژه اگر صورت يك اسم در زبان خارجی با صورت آن در زبان اصلی تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد.^۹

برای برگردانیدن اعلام ایرانی و اسلامی، که در متون خارجی به صورت محرّف ضبط شده‌اند محلی برای اعمال سلیقه‌های شخصی وجود ندارد؛ لذا، به‌خلاف آنچه دربارهٔ معادلهای مفاهیم میسر است، مترجم ناگزیر باید تنها به ضبط واحد یا ضبطهای محدودی دسترسی پیدا کند و همان را به کار برد.

دگرگونی و تغییر صورت اعلام ایرانی و اسلامی در زبان فرانسه، همانند تغییر صورت تمام اعلام دیگر در يك زبان خارجی، مراتب و علت‌های گوناگونی دارد که بحث و بررسی آن مقتضی مقال دیگری است. اما بد نیست در اینجا نیز به‌طور خلاصه به نمونه‌هایی از تغییرات و دگرگونیهای صورت این اسامی در زبان

حاشیه:

- ۱) این صورت فرانسوی یا لاتینی خود می‌تواند محرّف صورت اصلی (یونانی یا عربی) باشد.
- ۲) هانری کوربن، تاریخ فلسفهٔ اسلامی از آغاز تا درگذشت ابن رشد: ترجمهٔ دکتر اسدالله مبشری، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۱.
- ۳) دُلّیسی اولیری، انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، ترجمه احمد آرام، انتشارات جاویدان، چاپ دوم، ۱۳۳۵.
- ۴) در این کتاب گاهی صورت اسلامی و متداول برخی اعلام داخل پرانتز آورده شده است.
- ۵) محمدبن اسحاق ندیم، الفهرست، ترجمه م. رضا تجدد، انتشارات کتابخانهٔ ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۴۳.
- ۶) گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمهٔ فخر داعی گیلانی، بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی، چاپ چهارم، ۱۳۳۴.
- ۷) جورج سارتون، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، جلد اول، انتشارات دفتر ترویج وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۵۳.
- ۸) البته مترجم محترم کتاب، با عنایت کامل به این مشکل، نهایت تلاش خود را در انتقال صورت صحیح انبوه اعلام کتاب به عمل آورده‌اند و همین کلمهٔ Alhazen را در صفحهٔ دیگری از کتاب (ص ۸۲۷) با صورت صحیح و اصلی آن به فارسی برگردانیده‌اند. لذا مورد یاد شده از موارد نادری است که در آن مسامحه رفته است.
- ۹) یادآور می‌شویم که دو فرهنگ موجود در این زمینه (فرهنگ مترجم و فرهنگ اعلام کتاب مقدس) هر دو انگلیسی-فارسی‌اند و در مورد چگونگی انتقال صورت فرانسوی برخی اعلام که با صورت انگلیسی آنها متفاوت است کارگشا نیستند. از طرف دیگر، تأکید هر دو کتاب، اولی بطور اعم و دومی بطور اخص، بر روی اعلام کتاب مقدس است و در زمینهٔ اعلام ایرانی و اسلامی فراگیر نیستند. برای هموارتر کردن راه مترجمان و بخصوص مترجمان جوان در یافتن صورت متداول اعلام و بخصوص اعلام ایرانی و اسلامی که صورت آنها در متون فرانسه با صورت اصلی و متداولشان در زبان فارسی نسبتاً متفاوت است، فهرستی از این اعلام به صورت يك فرهنگ کوچک اعلام ایرانی و اسلامی (فرانسه-فارسی و بالعکس) تدوین گردیده که بزودی در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

کردو، کردوا، کردوا)، و Edesse، همانطور که اشاره شده، به پنج صورت به فارسی ضبط شده است.

□ در کتاب انتقال علوم یونانی به عالم اسلام^۳ به‌رغم وجود صورتهای مأنوس و متداول در زبان فارسی، برخی از اعلام با ضبط زبان مبدأ یا با ضبط نامأنوس کهن به فارسی انتقال یافته‌اند:^۴ ادسا (ص ۱۲) = الرها؛ باکتريا (ص ۱۵۱)، باکترا (ص ۱۷۹) = بلخ؛ خاراکس (ص ۱۵۳) = خرمشهر؛ سُکدیانا (ص ۱۷۹) = سُغد؛ آلاساندرا (ص ۱۷۹) = اسکندریه؛ یاکسارتس (ص ۱۸۳) = سیحون، سیردریا؛ اُکسوس (ص ۱۸۳) = جیحون، آمودریا.

□ در ترجمهٔ الفهرست^۵، «اردشیر» (نام پادشاه هخامنشی) به صورت عربی آن ارطخاشت (ص ۴۴۸) ضبط شده است.

□ گاهی مترجم بدون توجه دقیق به صورت کلمه در زبان مبدأ یا صورت متداول آن در زبان مقصد، صورت جدیدی برای اعلام در ترجمه اختیار می‌کند که وضع آشفتهٔ امر انتقال صورت اعلام را آشفته‌تر می‌سازد. در تمدن اسلام و عرب^۶، Castille (= قشتاله) به‌صورت قسطله (ص ۳۳۵)، Valence (= بلنسیه) به‌صورت والنسن (ص ۳۳۶)، و Aragon (= اراغون) به‌صورت آراگان و ارغون (ص ۳۳۶) درآمده است. گاهی هم به دلیل تفاوت فاحش صورت اسم در زبان مبدأ با صورت اصلی آن، مترجم در تطبیق نام دچار خطا شده است؛ از جمله در مقدمه بر علم تاریخ^۷، کلمهٔ Alhazen = الحسن ابن هیثم، ریاضیدان، فیزیکدان و فیلسوف اسلامی قرن چهارم هجری قمری، با خازنی (عبدالرحمان)، ریاضیدان و فیزیکدان مسلمان قرون پنجم و ششم هجری قمری یکی گرفته شده است (ص ۸۶).^۸

این ناهماهنگیها و آشفتگیها در کار انتقال صورت اعلام از زبانهای خارجی به زبان فارسی دلایل گوناگونی می‌تواند داشته باشد که شتابزدگی مترجم، کم‌اهمیت انگاشتن موضوع انتقال صورت اعلام، نقص آگاهیهای تاریخی و فرهنگی، نقص ابزار کار مترجم و نبودن مرجع خاصی که بتواند مترجم را از رنج ساعتها مطالعه و تحقیق برای یافتن ضبط درست اعلام معاف سازد از جملهٔ این دلایل است.

فرهنگهای يك‌زبانی اعلام در این راه كمك مؤثری نمی‌کنند؛

و در مورد اسامی زیر از صورت پهلوی آنها:
 مهرداد = Mithridate؛ قباد اول = Kavadh؛ اردوان =
 Artaban؛ هرمز = Ormizd؛ اهورامزدا = Ohrmazd

□ گروهی از اسامی خارجی نیز هستند که صورتی عربی-اسلامی و متداول در زبان فارسی بخصوص در متون اسلامی دارند و مترجم باید در ترجمه این گونه متون، به این ضبطها توجه داشته باشد و در مواقع مقتضی آنها را به کار برد:
 قرناطه، Grenade =؛ جلیقیه = Galice؛ قشتاله = Castille؛ بلنسیه = Valence؛ طلیطله = Tolède؛ لشبونه، اشبونه = Lisbonne

□ تعدادی از اسامی هم هستند که صورت فرانسه آنها گره‌ای از ضبط فارسی یا عربی است و برعکس. بدیهی است این اسامی را نباید از روی صورت معنایی آنها به صورت ترجمه آزاد به فارسی برگرداند؛ بلکه مترجم باید الزاماً تنها صورت معادل و متداول هر اسم را در مقابل صورت خارجی به کار برد:
 هلال خصیب = Croissant Fertil؛ شاخ زرین (شاخابه بوسفور) = Corne d'or؛ دارالبیضا (شهری در الجزایر) = Maison-Blanche؛ اخوان المسلمین = Frères Musulmans؛ قزلباش = Tête Rouge؛ قراقوینلو = Mouton Noir؛ آق قوینلو = Mouton Blanc

□ سرانجام، گروهی از اعلام، اغلب خارجی، وجود دارند که در زبان فرانسه و فارسی دو صورت کاملاً متفاوت دارند، در نتیجه صورت فرانسه کمکی به مترجم برای یافتن صورت متداول آن در فارسی نمی‌کند، بخصوص اگر اسم مورد نظر از اعلام مهجور با کاربرد کم باشد؛ نمونه‌های این گروه عبارتند از:
 Peuls (les) = فولانی‌ها (نام یکی از اقوام مسلمان افریقای باختری)؛ قبرس = Chypre؛ حبشه = Abyssinie؛ بین النهرین = Mésopotamie؛ یحیی معمدان = Jean-Baptiste؛ ماوراءالنهر = Transoxiane؛ دجله = Tigre

اسامی بسیار دیگری نیز هستند که به‌رغم تشابه صورت خارجی و فارسیشان می‌توانند مشکل‌آفرین باشند، از این جهت که صورت فارسی بسیاری از این اعلام در فرهنگهای ما ذیل حروف مربوطه وجود ندارد، و این اعلام را به دلیل ویژگیهای دستگاههای آوایی و نوشتاری زبان فرانسه و فارسی می‌توان به چند صورت به فارسی برگرداند؛ لذا مترجم نمی‌داند کدام صورت را برگزیند. من باب مثال Aja (سلسله جبالی در غرب عربستان سعودی) به صورتهای متعدد قابل انتقال به زبان فارسی است.

فرانسه اشاره شود:

□ يك گروه از این اسامی اعلام مربوط به حکومتها و اقوام فرقه‌های مذهبی است که در انتقال صورت فارسی یا اسلامی آنها به زبان فرانسه تغییرات با روش و قاعده‌ای منظم و معین روی داده است، به طوری که از روی ضبط فرانسه صورت صحیح و متداول فارسی آن را نسبتاً به آسانی می‌توان یافت:
 ایوبیان، کردان ایویی، بنی ایوب = Ayyûbides؛ عباسیان، آل عباس، بنی عباس = Abbâsides؛ معتزله = Mu'tazilites؛ غزنویان = Gaznévides, Gaznavides؛ زیدیّه = Zaydites؛ امویان، بنی امیه = Umayyades, Omyades

چنانکه ملاحظه می‌شود، برای برخی از این اعلام گاهی دویا سه صورت متداول در فارسی یا فرانسه وجود دارد.

□ گروه دیگر اعلامی هستند که در صورت فرانسوی یا لاتینی متداول آنها در زبان فرانسه دگرگونیهای بیشتری صورت گرفته و در نتیجه بین دو صورت يك اسم در زبانهای فرانسه و فارسی تفاوت فاحشی ایجاد گردیده است. لذا کار مترجم در بازایابی ضبط درست این اسامی دشوارتر و مستلزم تفحص بیشتری است:
 ابو عبدالله محمد یازدهم (آخرین حکمران سلسله اسلامی در قرطبه، اسپانیا) = Boabdil؛ قطوره (همسر سوم حضرت ابراهیم) = Cétura؛ جابر بن حیان = Geber؛ جابر بن افلح = Geber؛ کیکاووس، کاووس = Keitiâous

□ اعلامی نیز هستند که صورت فرانسه یا صورت لاتینی متداول آنها در زبان فرانسه از صورت عربی، یونانی، یا پهلوی آنها مأخوذ است و در نتیجه به این صورتهای نزدیکتر است و با صورت متداول آنها در زبان فارسی تفاوت بیشتری دارد. اینک نمونه‌هایی از این قبیل:

ابن باجه = Avempace؛ غزالی = Algazel؛ ابن طفیل = Abubacer؛ ابن رشد = Averroès؛ ابن زهر = Avenzoar

□ صورت فرانسه اسامی زیر از صورت یونانی آنها گرفته شده:

خسرو انوشیروان = Chosroes، اردشیر = Artaxerxès؛ هخامنشیان = Achéménides؛ ویشاسب، گشتاسب = Hystape؛ هوخستره = Cyaxare